

تاثیر آرا فلسفه اخلاق اسلامی بر اخلاق پزشکی قرون نخستین اسلامی

دکتر پروین رنجبر^{۱*}، دکتر زهرا حامدی^۲، دکتر علی رسولی^۳
۱. دانش آموخته دکتری تاریخ اسلام، واحد داراب، دانشگاه آزاد اسلامی، داراب، ایران.
۲. گروه تاریخ، واحد داراب، دانشگاه آزاد اسلامی، داراب، ایران.
۳. گروه تاریخ، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳)

چکیده

زمینه: اخلاق به عنوان یکی از مبانی فکری از ابتدایی ترین جوامع بشری تا امروزه با ارایه اصول و قواعدی در جهت پزستی افراد در کنارهم، همه رفتارهای انسانی، از پنهانی ترین تا آشکارترین جنبه های آن را احاطه نموده است. اخلاق در پزشکی به عنوان یکی از شاخه های اخلاق کاربردی، به اصول و قواعد اخلاقی در حوزه پزشکی می پردازد. از سوی دیگر، اگرچه اخلاق خود یکی از مباحث مستقل فکری است اما با مبانی فکری دیگر همچون فلسفه ارتباط تنگاتنگی دارد و از آن تاثیر می پذیرد. بسیاری از پزشکان چهار قرن اول هجری قمری که همزمان هم پزشک و هم فیلسوف بوده اند به همراه برخی از فلاسفه مسلمان در تالیفات شان به مباحث اخلاقی پرداخته اند. این پژوهش به مولفه های اخلاقی در پزشکی و تاثیر فلسفه اخلاق بر آن در محدوده چهار قرن اول اسلامی می پردازد.

نتیجه گیری: با بررسی مهم ترین کتب اخلاقی پزشکی ایرانیان مسلمان تا پایان قرن چهارم، مؤلفه هایی تحت عناوین اخلاق پزشکی استخراج شدند. هرکدام از این مؤلفه ها، به یکی از کدهای اخلاقی (مدح رفتارهای انسانی؛ تهذیب نفس؛ فضیلت عقل و اندیشه؛ ارادی بودن عمل انسان؛ مقام و منزلت انسانی) اشاره می کنند که در فلسفه اخلاق نیز بدانها توجه شده است. از آنجا که اخلاق یکی از شعب فلسفه عملی بود، پزشکان مسلمان به آن اهتمام می ورزیدند. به همین سبب، این پزشکان فیلسوف، بخشی از تالیفات خود را به فضیلت و ستایش عقل، سرکوبی هوای نفس، ذکر عوارض ناراستی و پرهیز از عیوب نفسانی همچون عجب، تکبر، حسد، بخل، غضب و... می پرداختند. مهم ترین مؤلفه ای که در اکثر این منابع بدانها اشاره شده است، خداپاوری و ناظر دانستن خداوند بر افعال و اعمال پزشک در زمان درمان و او را شفا دهنده اصلی دانستن است. پس از آن توجه به شان و مرتبه انسانی بیماران است. بدین معنا که پزشک به بیمار به عنوان یک انسان که دارای شان و مرتبه انسانی است توجه کند نه به رنگ، نژاد و دین و وضعیت مالی و طبقه اجتماعی وی. اما برای این که پزشک به این مرحله کمال برسد باید تزکیه و تهذیب نفس نماید.

کلیدواژه‌گان: فلسفه اخلاق اسلامی، اخلاق، اخلاق پزشکی

سر آغاز

همه اینا بشر باید فضایل اخلاقی مانند پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را سرلوحه خود قرار دهند و نیک اندیشی و نیک خواهی را در درون خود پرورش دهند به گونه ای که تبدیل به ذات و عمل ناخودآگاه شان درآید (۱). اخلاق در فارسی و عربی «صفات نفسانی راسخ و پایداری هستند که موجب می شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تامل از آدمی صادر شود» (۲).

یکی از زیرمجموعه های اخلاق^۱، مبحث اخلاق پزشکی^۲ است که اگرچه در دهه هفتاد قرن بیستم ظهور نمود (۳) اما به طور کلی تحت عنوان اخلاق، به صور مختلف در کتابها و رسایل قدیمی، به موارد مرتبط با آن اشاره شده است. اخلاق پزشکی، پیروی از اصول رفتار حرفه ای

مناسبی است که درباره مسئولیت و وظایف پزشکان هنگام مراقبت از بیماران و مواجهه و ارتباط با خانواده آنها سخن می گوید (۴). بنابراین، اخلاق پزشکی علمی است که موضوع آن بررسی مجموعه آداب و رفتار پسندیده یا ناپسندی است که صاحبان مشاغل پزشکی باید رعایت نمایند (۵).

در گذشته به دلیل عدم گستردگی علوم، پزشکان معمولاً علوم دیگری مانند فلسفه^۳ را نیز فرامی گرفتند. به همین جهت اخلاق پزشکی بیش از همه با اندیشه ها و تفکرات فیلسوفان بزرگی چون سقراط، افلاطون و ارسطو در قرون ۴ و ۵ ق.م. پیوند نزدیکی داشت. براساس باورهای پیشینیان، طب^۴ و فلسفه از هم جدا نبوده است و در میان پزشکان این

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: ranjbarp.1358@gmail.com

اخلاق پزشکی

در اواخر قرن دوم هجری به بعد که به تدریج علوم مختلف در فرهنگ و تمدن اسلامی شکوفا می شوند، اغلب کتاب های طبی با رویکرد اخلاقی تالیف شده اند. در زیر به مهم ترین کتب پزشکی و ادبی چهار قرن اول هجری و مفاد اخلاقی آن ها به اختصار اشاره می شود:

۱- کلیله و دمنه/ پنجه ننتره در زمان انوشیروان ساسانی (۵۳۱-۵۷۹ م.) به همت برزویه طبیب، به ایران آورده شد و از زبان سانسکریت به زبان پهلوی ساسانی ترجمه گشت. در دوره اسلامی ابن مقفع (۱۰۴-۱۴۲ ق.) آن را به عربی برگرداند. در این کتاب پس از باب نخست نکات اخلاقی ارایه شده است. در بخشی از آن چنین آمده است: «فاضل ترین اطباء آن است که بر علاج از جهت ثواب آخرت^۵ مواظبت نماید که به ملازمت آن سیرت، نصیب دنیا هر چه کامل تر بیابد و رستگاری عقبی مدخر گردد» (۱۵).

۲- فردوس الحکمه، نخستین مجموعه طبی در اسلام در سال سوم خلافت متوکل (۲۳۶ ق.) توسط علی بن ربن طبری (۱۶۴-۲۴۷ ق.) نگاشته شد. وی از آثار قدما همچون بقراط و جالینوس، دیموقریطس و بولس و همچنین کتاب های سسرد و چرک بهره ها برده است (۱۶، ۱۷). وی علاوه بر توجه به پزشکی و درمان به عنوان یک علم برتر، توصیه هایی را نیز به طبیبان برای حفاظت جان بیماران نموده است: «بعضی از علوم از علوم دیگر ارجمندتر هستند مانند علم پزشکی، زیرا مبحث پزشکی پر افتخارترین مبحث است و موضوع آن برای بدن افراد مهم است... و به همین دلیل آنها گفتند که پزشک نباید در هر بیماری ای دارو تجویز کند و در پرونده ها عجله نکند مگر پس از تأیید و روایت و فریب تجربه را نخورد» (۱۸).

۳- طب روحانی، مهم ترین اثر ابوبکر محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق.) است که در باب اخلاق و با رویکرد فلسفی نگاشته شده است. در بخشی از کتاب چنین می آورد: پزشک باید ظاهری آراسته داشته باشد. چهره، اندام ها، موها و لباس های او خوشایند و تمیز باشد. گشاده رو و خوش گفتار باشد. از ترش رویی و شتاب زدگی و بی پروایی در کارها خودداری کند، آزمند به زروزیور نباشد. لحنی ملایم داشته باشد، در اخلاق و برخورد نیکو باشد. با بیماران مهربان باشد، نسبت به آنان دلسوز و نگاه دارنده رازهای آنان باشد (۱۹).

۴- أدب الطیب، اثر اسحاق بن علی رهاوی از پزشکان قرن ۳ ق. است که آن را از زاویه اخلاقی نگاشته است. وی در مقدمه می نویسد: «من تمام آدابی را که طبیب باید نفس^۶ خویش را بدان مودب نماید و اخلاق پسندیده ای را که باید طبع خود را بدان تربیت کند، گرد آورده ام» (۲۰). وی نه تنها کوچک ترین نکات مربوط به پزشک، مانند آراستگی ظاهری، بلکه بزرگترین نکات اخلاقی مانند حفاظت و نگهداری از سلامت انسان ها و جوامع را نیز به اطبا و همکاران آن ها توصیه می کند.

سنت دیرین که طبیب فاضل باید فیلسوف هم باشد مورد احترام بود. گفته شده که جالینوس، پزشک یونانی کتابی در این رابطه داشته که در عربی به نام «فی أن الطیب الفاضل یجب أن یکون فیلسوفا» بود و در دسترس پزشکان مسلمان بود. به همین جهت، اطباء اسلامی نیز پیرو وی بر این باور بودند نه تنها فلسفه و طب از هم منفک نیستند، بلکه فلسفه، طب روح و طب، فلسفه بدن است (۶). برای همین، طبیبانی چون ربن طبری و ابوالحسن طبری در رسالات خود مقدماتی از فلسفه را نیز آورده اند. از سوی دیگر، با توجه به این امر که امروزه، پزشک نه دیگر فلسفه می خواند و نه مجبور به گذراندن دروس مقدماتی فلسفی است و نیز به دلیل گستردگی علوم و تخصصی شدن رشته های مختلف علمی مانند پزشکی با زیرشاخه های متعدد و جدا از هم، با مباحث فلسفی و فلسفه اخلاقی نیز آشنایی ندارد، بدینگونه بسیاری از مباحثی که در گذشته پزشکان موظف به گذراندن آن بودند، امروزه مورد توجه نیست. همچنین، در سال های اخیر به دلیل گسترش دید سودجویانه به بیماری و بیماران، و شیوع پدیده پزشکی تجاری در جامعه، نشان دهنده عدم توجه به ارزش های اخلاقی است. بنابراین، پرداختن به چنین پژوهش هایی ضرورت می یابد. به همین سبب با توجه به اهمیت اخلاق در پزشکی از سویی و از سوی دیگر فراگیری علوم مختلف همچون فلسفه و پزشکی در کنار یکدیگر در قرون اولیه اسلامی، این پژوهش قصد بررسی رابطه و تاثیر فلسفه اخلاق بر اخلاق پزشکی طبیبان ایرانی مسلمان چهار قرن نخست هجری دارد.

پژوهش های مختلفی درباره متغیرهای این پژوهش یعنی اخلاق پزشکی و فلسفه اخلاقی انجام شده است؛ اما پژوهش مستقلی که تاثیر آرا فلسفی را بر اخلاق پزشکی نشان دهد، انجام نشده است. با این حال می توان به مقاله اعوانی تحت عنوان «اخلاق» (۷) اشاره نمود که در بخشی از آن به فلسفه اخلاق و اخلاق فلسفی در نزد فیلسوفان مسلمان پرداخته. اردلان در مقاله تحت عنوان «رابطه بین فلسفه اخلاقی و آمادگی برای تغییر با نقش میانجی مسئولیت اخلاقی» به فلسفه اخلاقی و مسئولیت اخلاقی در سازمان ها پرداخته است (۸). خانی جزنی در بخش پایانی مقاله اش «فلسفه اخلاق پزشکی» (۹) از رابطه فلسفه اخلاق در دین اسلام با علم پزشکی سخن رانده. آقایانی چاوشی در «نگاهی تحلیلی به تاریخ اخلاق پزشکی اسلامی» (۱۰)، به اختصار بعضی از جنبه های اخلاق پزشکی اشاره نموده. همچنین اکسوی و الامی در «مفاهیم اصلی چهار قانون اخلاق زیستی همان طور که در سنن اسلامی یافت می شوند» (۱۱)؛ و نانجی در «اخلاق پزشکی و سنن اسلامی» (۱۲) به قدمت اخلاق پزشکی در اسلام اشاره دارند. همچنین اسمعیلی در «اخلاق پزشکی در برخی از متون کهن ایران زمین» (۱۳) و عزیزی در «پیشینه اخلاق پزشکی در برخی از آثار کهن طبی و ادبی ایران» (۱۴) به بررسی اخلاق پزشکی در کتب مختلف ادبی، تاریخی و پزشکی پرداخته اند.

زمان مناسب و با کلمات شایسته آن را درخواست نماید... پزشک نباید جسورانه و بی مهابا و بدون تدبیر به بیمار داروهای قوی بخوراند... او باید از میان انواع راه های درمان، بهترین و سالم ترین راه را برای مداوای بیمار گزینش نماید» (۲۱).

۸- قانون، اثر ابوعلی حسین بن عبدالله بن علی بن سینا (۳۷۰-۴۲۷ ق.م) است که نیروی مشاهده پزشکان قدیم را با ذهنی فلسفی درآمیخت (۱۶). از تاکیدات وی در این کتاب، ضرورت اشراف و آگاهی طبیب به علم طب و کسب مهارت در تشخیص و درمان بیماری هاست: «طیبی که اندام بیمار را جراحی می کند باید به علم تشریح آگاهی داشته باشد. تشریح عصبها، وریدها و شریانها را بداند تا مرتکب خطا نشود و چیزی را قطع نکند که منجر به مرگ بیمار شود» (۲۲). چنان که در مقاله سوم، در درمان شکستگی دنده، چاره اندیشی مقدماتی و عدم شتابزدگی در درمان را برای پرهیز از آسیب رسانی به بیمار ضروری می داند.

۹- مفتاح الطب، اثر ابوالفرج علی بن حسین بن هندو (درگذشته ۴۱۰ یا ۴۲۰ ق.م) است. وی در باب چهارم کتاب، درباره شرافت پزشکی^{۱۱} می نویسد: «برتری و فزونی هر دانشی بر اساس اولویت و امتیاز جستار و آرمان آن معرفت است. زمینه دانش پزشکی، جسم و بدن انسان است و در فلسفه محرز شده است که انسان، بزرگوارترین هستنده در زیر آسمان است. او از دو پاره روح و جسم تشکیل شده است. روح او برترین ارواح و جسم او برترین اجسام است. بدینگونه، نه تنها جسم وی که زمینه دانش پزشکی است دارای اهمیت است بلکه کمال مطلوب آن نیز که هدایت سلامتی در جسم انسان است نیز ارجح است» (۲۳). در جدول ذیل، اصول اخلاقی ارائه شده در کتاب های بالا و کد اخلاقی هر کدام از این اصول ارائه شده است.

۵- کامل الصناعه الطیبیه، اثر علی بن عباس مجوسی اهوازی (۳۱۸-۳۸۴ ق.م)، دارای ۲۰ مقاله و هر مقاله مشتمل بر چند فصل است. ده مقاله اول مربوط به علوم نظری^۷ و ده مقاله بعدی به علوم عملی^۸ طب مرتبط است. باب دوم آن در بیان وصایای بقراط و دیگر متصدیان پیشین طبابت است. «نخستین چیزی که او آنان را پس از تقوای خداوند بدان سفارش نمود، آن بود که به استادان خود احترام بگذارند... پزشک باید در مداوای بیماران و حسن مراقبت از آنان با انواع داروها و غذاها بکوشد و هدفش از درمان بیماران طلب مال نباشد، بلکه اجر و ثواب باشد. به هیچ کس داروی کشنده ندهد و برایش توصیف نکند... و به زنان داروی سقط جنین ندهد. خوش زبان و نیک سیرت و به دور از هر ناپاکی، آلودگی و گناهی باشد. پزشک نباید هیچ سری از اسرار بیماران اعم از چگونگی درمان و یا دیگر مسایل آن ها را فاش کند...» (۱۷).

۶- هدایه المتعلمین فی الطب، اثر ابوبکر ربیع اخوینی (درگذشته ۳۷۱ ق.م)، نخستین کتاب پزشکی به زبان فارسی دری است. این کتاب در باب مشاهدات بالینی^۹، گیاهی و دارویی تدوین شده است و مقدمه مفصلی دارد که حاوی برخی نکات اخلاق پزشکی است. طرح مباحث توحیدی و فلسفی و وجوب آموختن شریعت^{۱۰} و طب در مقدمه کتاب جلوه گر است.

۷- المعالجات البقراطیه، تألیف ابوالحسن طبری (درگذشته ۳۷۵ ق.م) است که درباره برخی شیوه های درمانی، تجربیات بالینی و نسخه های دارویی نویسنده جهت خدمت بهتر به بیمار است. فصل ۳۵ درباره الزام به رعایت اصول حقوقی و اخلاقی میان پزشک و بیمار است. فصل مزبور چنین آغاز می شود: «طیب باید با غنی و فقیر به یک شکل رفتار نماید. اگر بیماری با پزشک دیگری برای مداوا رجوع نموده که با دیدگاه او موافق نیست، اگر به نزد او آمد، نباید او را نپذیرد. هیچ پزشکی نباید از بیمار در حالی که بیماری در اوج است، طلب پول نماید؛ در حالی که می تواند در

جدول ۱: اصول اخلاق پزشکی استخراج شده از کتب پزشکی

منابع اخلاق پزشکی	اصول اخلاق پزشکی	کدهای اخلاقی
فردوس الحکمه ربن طبری؛ طب روحانی رازی؛ هدایه المتعلمین فی الطب ربیع بن اخوینی	راستگویی	مدح رفتارهای انسانی
طب روحانی رازی؛ کامل الصناعه الطیبیه مجوسی؛ المعالجات البقراطیه ابوالحسن طبری؛ مفتاح الطب ابن هندو	رازداری	مدح رفتارهای انسانی
کامل الصناعه الطیبیه مجوسی؛ طب روحانی رازی؛ ادب طبیب رهاوی	پاکیزه و مهذب بودن طبیب	تهذیب نفس
طب روحانی رازی؛ مفتاح الطب ابن هندو؛ قانون ابن سینا	تخصص و مهارت در طبابت	فضیلت عقل و اندیشه
کامل الصناعه الطیبیه مجوسی؛ هدایه المتعلمین فی الطب ربیع بن اخوینی؛ طب روحانی رازی؛ مفتاح الطب ابن هندو؛ ادب طبیب رهاوی	حاضر دانستن خدا در همه حال	تهذیب نفس
کلیله و دمنه؛ طب روحانی رازی؛ قانون ابن سینا	بردباری و عدم شتابزدگی در درمان	مدح رفتارهای انسانی
کامل الصناعه الطیبیه مجوسی	مشورت با دیگر طبیبان	فضیلت عقل و اندیشه
کامل الصناعه الطیبیه مجوسی؛ طب روحانی رازی؛ مفتاح الطب ابن هندو؛ ادب طبیب رهاوی	خدمت به خلق	ارادی بودن - مقام انسان
کامل الصناعه الطیبیه مجوسی؛ طب روحانی رازی؛ مفتاح الطب ابن هندو؛ ادب طبیب رهاوی	تفقد از بیماران	مدح رفتارهای انسانی
کامل الصناعه الطیبیه مجوسی؛ طب روحانی رازی	کمک به فقرا	مدح رفتارهای انسانی

کامل الصنعة الطیبه مجوسی	چشم‌پاکی در درمان زنان	تهذیب‌نفس
کامل الصنعة الطیبه مجوسی؛ قانون ابن سینا	عدم تجویز گیاهان سمی	فضیلت عقل‌واندیشه
قانون ابن سینا	منع سقط‌جنین و عدم راهنمایی در این زمینه	مقام‌انسان
کليله و دمنه؛ کامل الصنعة الطیبه مجوسی؛ المعالجات البقراطیبه ابوالحسن طبری	نداشتن تکبر	تهذیب‌نفس
طب روحانی رازی؛ کامل الصنعة الطیبه مجوسی؛ المعالجات البقراطیبه ابوالحسن طبری؛ ادب طیب رهاوی	درمان همه مردم با وضعیت مالی مختلف	مقام‌انسان
کامل الصنعة الطیبه مجوسی؛ طب روحانی رازی؛ المعالجات البقراطیبه ابوالحسن طبری؛ قانون ابن سینا	ندادن داروهای کشنده	فضیلت عقل‌واندیشه
کامل الصنعة الطیبه مجوسی؛ طب روحانی رازی؛ المعالجات البقراطیبه ابوالحسن طبری	خوش‌زبان و مهربان بودن	مدح رفتارهای انسانی
کامل الصنعة الطیبه مجوسی؛ طب روحانی رازی؛ ادب طیب رهاوی	حضور مداوم بر بالین بیمار	مقام‌انسان
فردوس الحکمه ربن طبری؛ کامل الصنعة الطیبه مجوسی؛ طب روحانی رازی؛ المعالجات البقراطیبه ابوالحسن طبری	توجه و مراقبت از بیمار	مقام‌انسان
کامل الصنعة الطیبه مجوسی؛ طب روحانی رازی؛ المعالجات البقراطیبه ابوالحسن طبری؛ ادب طیب رهاوی	دقیق بودن در بررسی علایم بیماری	فضیلت عقل‌واندیشه
طب روحانی رازی؛ ادب طیب رهاوی	احترام به بیمار	مقام‌انسان
فردوس الحکمه ربن طبری؛ طب روحانی رازی	عدم تجویز داروهای ضد‌درد پیش از شناسایی عامل‌درد	فضیلت عقل‌واندیشه
المعالجات البقراطیبه ابوالحسن طبری؛ طب روحانی رازی	امیددادن به بهبودی بیمار	مدح رفتارهای انسانی
کليله و دمنه؛ کامل الصنعة الطیبه مجوسی؛ المعالجات البقراطیبه ابوالحسن طبری؛ ادب طیب رهاوی	ثواب‌آخروی	تهذیب‌نفس

فلسفه اسلامی

پس از قرار گرفتن ایران تحت سیطره حکومت اسلامی، به تدریج علوم مختلف از نظام های فکری گوناگون به جهان اسلام انتقال یافت، پرورده شد و به تعالی رسید. ایرانیان از همان آغاز نقش اساسی در این زمینه ایفا کردند. آثار فلسفی اواخر ساسانی، چه آنهایی که به پهلوی تألیف شده و چه آنهایی که از یونانی به پهلوی ترجمه شده بودند جزئی مهم در شکل‌گیری فلسفه اسلامی به شمار می‌روند (۱۶). البته، فلسفه در حوزه تعلیم اسلامی و قرآنی نیز پرورش یافته است. هم‌شعبه‌های فرعی حکمت‌نظری^{۱۲} مانند تجربیات و علوم طبیعی و ریاضیات با شعبه‌های گسترده‌اش تحت اشراف فلسفه اسلامی بود و هم‌شعبه‌های فرعی حکمت‌عملی^{۱۳} مانند اخلاقیات، تدبیر منزل^{۱۴} و سیاست مدن^{۱۵} (۲۴). بنابراین، فلسفه اخلاقی شاخه‌ای از حکمت‌عملی بود (۲۵). یعقوب‌بن‌اسحاق کندی (۱۸۵-۲۵۶ق.) از برجسته‌ترین فلاسفه مسلمان اگرچه یکی از آثار خود را به برشمردن آثار ارسطو اختصاص داده (۲۶) اما، برخلاف فلاسفه یونان، خداوند را مبدأ آفرینش و پایدگی هستی را هم برآمده از او می‌دانست و خداوند در فلسفه او نه تنها دلیل پیدایش که باعث بقای موجودات بعد از حدوث هم بود (۲۷). وی در «فی‌الحیله‌لدفع‌الاحزان» می‌نویسد: انسان عاقل نه از تملک مقاصد دنیوی مسرور و نه از فقدان آن دچار اندوه می‌شود؛ بنابراین، آرزوی تملک دائمی اموالی که به‌صورت موقت در اختیار انسان است، امری بیهوده است و اندوهگین شدن از فقدان مال و منال دنیوی نشانه خست و دنائت است (۷).

ابوزیدیلخی (۲۳۵-۳۲۲ق.) که تمایل به فلسفه نوفیثاغورثی^{۱۶} داشت، در «مصلح‌الابدان‌والانفس» مقاله‌اول را به تدبیر دستورات سودمند برای تن، و مقاله‌دوم را به مصلح‌الابدان و انفس اختصاص داده است. وی برای تهذیب‌نفس^{۱۷} و علاج امراض نفسانی، شناخت نفس را لازم شمرده، و روش‌هایی برای معالجه آن امراض ارائه نموده است (۲۸). رازی (۲۵۱-۳۱۳ق.) در «طب‌روحانی» به روایت از افلاطون می‌گوید: انسان باید هم در پزشکی جسمانی و هم پزشکی روحانی کوشش نماید تا بتواند کارهای نفسانی را تراز نماید به گونه‌ای که نفس نتواند از کمال مطلوب سستی نماید و از اندازه بخردانه تخلف نماید (۲۹). وی فصل‌چهارم کتاب را به شناخت عیوب نفس اختصاص داده و می‌نویسد چون بسیاری از انسان‌ها از شناخت عیوب نفس ناتوانند، بنابراین، با جهل به معایب خویش، آنها را زشت نمی‌شمارند و از دفع آنها ناتوانند (۲۹). آثار فارابی (۲۵۷ یا ۲۵۹-۳۳۹ق.) که آمیزه‌ای از حکمت ارسطویی و نوافلاطونی^{۱۸} است به‌طور پراکنده به مباحث اخلاقی می‌پردازد. وی در «ماینبغی‌ان‌تعلم‌قبل‌الفلسفه» منطق، هندسه، اخلاق نیکو و کناره‌گیری از شهوات را پیش‌نیاز پرداختن به فلسفه می‌داند و مطالبی درباره تهذیب‌نفس بیان می‌کند. همچنین در کتاب «تحصیل‌السعادة» به اخلاق و فلسفه نظری می‌پردازد. بیماری‌های نفسانی را می‌شمارد و سلامت نفس را پیوسته منشأ حسنات و خیرات و افعال نیکو بودن، می‌داند (۷). ابوعلی مسکویه (۳۲۶-۴۲۱ق.) در بیشتر موضوعات فلسفه نظری و عملی و به ویژه در روش تهذیب‌نفس ورود و تلاش نموده است و به

تأثیر آراء فلسفی بر اخلاق پزشکی

بنابراین، هم پزشکان و هم فلاسفه به اخلاق توجه نموده و در تألیفات خویش به آن پرداخته‌اند. پزشکانی چون ربن طبری و ابوالحسن طبری بنا به سنت جالینوسی که طیب فاضل باید فلسفه هم بداند، مقدماتی از مسایل فلسفی را در تألیفات خود گنجانده‌اند. ابوالحسن طبری در این رابطه می‌نویسد: «اگر پزشک، حکیمی با باورهای درست، دینداری ارجمند و آراسته به شناخت علوم الهی^۱ و واقع‌رستاخیز، نیکوکاری، عذاب و پاداش بدی و... نباشد، غیرقابل اطمینان در کار پزشکی است» (۲۱). رازی نیز می‌آورد: طبیعی که به قوانین طبیعی، فلسفی و منطقی التفات نرزد و تنها به لذایذ و آرزوهای دنیوی و مادی توجه کند، بایستی معرفت و دانش پزشکی وی را زیر سؤال برد (۲۹). ربن طبری درباره تألیف فردوس الحکمه می‌آورد که فارغ‌التحصیلان پزشکی و فلسفی آنچه را که نیاز دارند، در این کتاب می‌یابند. همچنان که رازی طب روحانی را با رویکرد فلسفی نگاشته و خودش حکیمی جامع در طب و فلسفه بود. ابن سینا نیز فیلسوفی پزشک بود که شفا در فلسفه و قانون در طب را نوشته است. در جدول زیر مباحث مشترک در فلسفه با اخلاق پزشکی ارایه شده‌اند.

جدول ۲: آراء فلسفی و اصول اخلاق پزشکی

آراء فلسفه اسلامی	کدهای اخلاق پزشکی
خداوند یکتا مبدأ آفرینش	ناظر دانستن خداوند بر اعمال پزشک
وابسته به اراده انسان	ارادی بودن در عمل درمان همراه با فضایل معنوی
مقام رفیع انسانی	توجه به مقام انسان در درمان بیماری افراد مختلف
مدح رفتارهای انسانی	رفتار انسانی در برخورد با بیماران
نکوهش رفتارهای غیر انسانی	دوری از اعمال غیر انسانی
تزکیه و تهذیب نفس	تزکیه و تهذیب نفس
سرکوبی هوای نفس	دوری از حرص و آز و امیال نفسانی
فضیلت و ستایش عقل	تدبیر در بیماری و فلسفه بدن
تکریم خرد و اندیشه	اندیشه‌ورزی در مراحل درمان
انسان به مثابه جهان اصغر	بدن به مثابه جهان اصغر در برابر عالم اکبر

– ارادی بودن اعمال انسان

یکی از مباحث مطرح در فلسفه ارادی بودن اعمال انسان است. ابن سینا در دیباچه «شفا» و همچنین در «عیون الحکمه» به پیروی از ارسطو، فلسفه را به دو پاره نظری و عملی بخش می‌کند و تذکر می‌دهد که باشندگان به دو گروه قسمت می‌شوند: گروهی که هستی آنها به گزینش و اراده ما نیست که از آن در فلسفه نظری گفتگو می‌شود. گروهی که هستی آنها به گزینش و اراده ماست که از آن در مبحث فلسفه عملی ذکر می‌شود (۷). انسان مخیر است که حرفه‌ای همچون طبابت را اختیار کند، اما وقتی انتخاب نمود که پزشک باشد و دانش و مهارت لازم را کسب نمود، باید در درمان بیماران بکوشد. در فلسفه اسلامی انسان آزاد است بنا به اختیار به انجام یا عدم انجام کاری بپردازد. در این انتخاب، وی اراده کرده است که چگونه عمل نماید.

همین مفهوم در اخلاق پزشکی نیز وارد شده است. پزشک در انجام عمل درمان این اراده را دارد که به درمان یا عدم آن بپردازد، اما اگر اراده به درمان کرد، می‌بایست براساس دریافتن نشانه‌ها و در کنار هم قراردادن آن علایم، بهترین راه درمان را برای بیمار برگزیند.

– توجه به مقام رفیع انسانی

در فلسفه و اخلاق پزشکی انسان دارای جایگاه رفیعی است. رهاوی آدمی را کامل‌ترین و آخرین مخلوق کارگاه خلقت می‌داند، و بزرگ‌ترین رسالت پزشکی و پزشکان را حفظ صحت و درمان بیماری‌های او می‌داند (۲۰). در پزشکی هیچ چیزی مهم‌تر از نجات جان انسان – خواه خودی یا دشمن، خواه صالح یا ظالم – نیست. از لحاظ اخلاقی یک پزشک باید به درمان بیمار بپردازد بدون توجه به این که او کیست. چنان که ابن هندو در «مفتاح الطب» می‌آورد که در فلسفه محرز شده

است که انسان، بزرگوارترین هستنده در زیر آسمان است. او از دو پاره روح و جسم تشکیل شده است. روح او برترین ارواح و جسم او برترین اجسام است (۲۳).

- مدح و ذم رفتارهای انسانی

از مباحث مطرح در فلسفه، مدح رفتارهای انسانی و نکوهش رفتارهای غیر انسانی است. ابن سینا در مبحث حکمت عملی می‌آورد که هوده علم اخلاق، معرفت به نیکویی‌ها و کیفیت دستیابی آن و تزکیه نفس^{۲۲} و شناخت پستی‌ها و فرومایگی‌ها و ممانعت نفس از آنهاست (۷). همین امر در اخلاق پزشکی وارد شده است. شایسته است پزشک در برخورد با بیماران رفتار مناسب و با مکارم اخلاقی در پیش گیرد و از هرگونه توهین و تحقیر در درمان وی دوری گیرند. این امر محذومی است که چون راه حل درمان بیمار را می‌داند، بنابراین می‌تواند با وی هرگونه که می‌خواهد رفتار کند. شایسته است با بیمار بدون توجه به نژاد، سن، وضعیت مالی و طبقاتی وی، تنها به عنوان فردی دارای شأن و مرتبه انسانی با نهایت دقت و مهربانی برخورد شود. این مسکویه در تهذیب اخلاق پس از بیان اقسام محبت، یادآور می‌شود که محبت نیکان نسبت به یکدیگر نه از جهت لذت و منفعت بیرونی، بلکه به سبب وجود مناسبت جوهری میان آنان، و نیز قصد خیر و اکتساب فضیلت است و از همین رو، هیچ‌گونه خلاف و نزاعی بدان راه ندارد (۳۱).

- ستایش عقل

در فلسفه، عقل قوه تشخیص و درک انسان است که درست و نادرست و زیبا و زشت را تشخیص می‌دهد و می‌تواند کارها را ارزیابی کند و آنگاه با اراده و اختیار خود، کاری را بر کار دیگر ترجیح دهد. در نظام فلسفی رازی، فضیلت عقل جایگاه خاصی دارد و به همین سبب نخستین فصل «طب روحانی» را به آن اختصاص داده است. عقل بزرگترین نعمت خدا بر انسان است و انسان با آن از دیگر جانوران ممتاز می‌گردد، به ادراک امور پیچیده و دشوار فائق می‌آید، و به معرفت می‌رسد. بنابراین، با این قدر و منزلت شایسته است عقل را ارج نهمیم و بر تمامی امور حاکم گردانیم (۲۹). کندی می‌آورد: اگر گرایش‌ها و اهداف انسانی در نگرش به جهان عقلی به آن سو هدایت شوند، از بیم نابودی و نیستی باشنده در جهان هستی و تباهی تیره شوند و از مبتلا شدن به غم و آرزوگری و شوریدگی خلاص شوند (۳۲). در پزشکی نیز یکی از اخلاقیات توصیه شده در طول درمان، اندیشه کردن در انجام آن چه که پزشک قصد انجام آن را دارد است. پزشک حادثی، پزشکی است که پیوسته در تمام مراحل درمان، به مسایل و عوارض جانبی درمان و موارد پیش‌بینی نشده بیااندیشد و بهترین راه درمان را برای بیماری در نظر گیرد.

- جهان اکبر و اصغر^{۲۳}

از مباحثی که از طریق فلسفه وارد علم پزشکی گشت، اصطلاح «بدن به مثابه جهان اصغر» است. در این رابطه در مکتوبات فلسفی اخوان الصفاء چنین آمده است: «آگاه باش که اولین فلاسفه و دانایان زمانی که آفاق مادی را با چشمانشان دیدند و براهین رویدادهای جهان را با اذهانشان مشاهده نمودند و در چگونگی و حالات آن‌ها اندیشه

کردند، هیچ پاره‌ای از مجموع پاره‌های آن را ندیدند مگر آن که تصویر تمام و همسان وی در انسان بود» (۳۳). بنابراین، فلاسفه همسانی‌هایی را برای همه پاره‌های مادی و حتی برای کیفیت روانی انسان از آفریدگان معنوی همچون فرشتگان، شیاطین و روان دیگر حیوانات از عالم کبیر معترف بودند و برای همین، انسان را عالم صغیر می‌خواندند (۳۳). برای طی جهان کبیر، باید جهان صغیر را شناخت. چنان که در پزشکی نیز جسم انسان به مثابه عالم صغیر در مقابل عالم کبیر و جهان بیرونی قرار می‌گیرد. شناخت جسم و روح انسان مبحث مهمی است که طبیب در مراجعه بدن نیازمند شناخت بدن و اعضای آن است.

- تهذیب نفس

یکی از مباحث فلسفه اخلاق، سرکوبی نفسانیات است. در رسایل اخوان الصفاء آمده است: «برادران ... سخت تلاش کنید تا خود را تصفیه و تهذیب کنید و خود را از دریای غریزه و طبیعت و اسارت خواسته‌های جسمی خلاص کنید» (۳۳). همین مبحث مورد توجه پزشکان قرار گرفته است. در بسیاری از کتب به پزشک توصیه شده است که در درمان بیماری به جاه و مال نیندیشد و ثواب اخروی آن را در نظر داشته باشد. درمان بیماران کم بضاعت و بی‌بضاعت را به دلیل مادیات مورد بی‌توجهی قرار ندهد و تا آنجا که می‌تواند نه تنها آن‌ها را درمان کند، بلکه به آن‌ها کمک مالی نیز نماید. رازی در فصل نوزدهم طب روحانی، راه و شیوه فرزندانگان را سنت و طریقه حکیمان کامل می‌داند. این شیوه بدینگونه است: سلوک به عدل با همه و سپس با رأفت، و همچنین پوشیدن جامه پارسایی و پاکدامنی و ... و تلاش و کوشش در هوده رساندن به همه... (۲۹).

نتیجه‌گیری

عدم گستردگی علوم در گذشته موجب می‌گشت تا طالبان علم، علوم مختلف همچون فلسفه، ریاضیات و طب را در یک زمان فراگیرند؛ چنان که بسیاری از حکیمان ایرانی مسلمان همچون رازی، فارابی، ابن مسکویه، ابن سینا و ... جامع‌العلوم بودند. از سوی دیگر اهمیت فلسفه برای طبیبان مسلمان تا جایی بود که دانشجویانشان را به خواندن و گذراندن مباحث فلسفی ملزم می‌کردند و طبیعی را که به قوانین طبیعی، فلسفی و منطقی التفات نمی‌نمود، معرفت و دانش پزشکی وی را مشکوک می‌دانستند. اخلاق و مباحث اخلاقی در نزد فیلسوفان تا به آن اندازه مهم بود که فلسفه را طب روح و طب فلسفه بدن می‌دانستند. بنابراین اغلب پزشکان، فیلسوف و برخی فیلسوفان، پزشک بوده‌اند. بدین‌گونه برخی از مفاهیم فلسفی مانند ارادی بودن عمل انسان، ستایش عقل، تهذیب نفس، جهان اکبر و جهان اصغر، مدح و ذم رفتارهای انسانی و توجه به مقام رفیع انسان، اخلاق پزشکی را تحت تأثیر قرار داده است.

با بررسی مهم‌ترین کتب اخلاق پزشکی ایرانیان مسلمان تا پایان قرن چهارم، مؤلفه‌های تحت عناوین اخلاق پزشکی استخراج شدند (جدول ۱). هر کدام از این مؤلفه‌ها، به یکی از کدهای اخلاقی اشاره می‌کنند که در



- | | |
|-------------------------------|------------------|
| 21. Divine sciences | علوم الهی |
| 22. Self-cultivation | تزکیه نفس |
| 23. The great and small world | جهان اکبر و اصغر |

References

1. Farhod D. (2012). Reverence of physicians, esteem of patients, health of society. *Journal of Ethics in science and Technology*; 7 (1) :1-5. (In Persian)
2. 2 -Majlesi MT. (1983). *Buharalanvar aljamieih lidarar 'akhbar alaymeh al'athar*. 1st ed. Beirut: Institute Alvafa Publications. (In Arabic)
3. 3 -Islami MT. (2009). The territorygraphy of medical ethics. *Journal of Ethics*; 2(4): 83-114. (In Persian)
4. 4 -Scholastic Library Publishing (2006). *Encyclopedia Americana*. Pennsylvania State University: Scholastic Library Pub .
5. 5 -Siegler M. (2000). *Medical ethics as a medical matter*. 1st ed. USA: The John Hopkins University Press .
6. 6 -Mohaghegh M. (1995). *Collection of texts and articles on the history of medicine in Islam and Iran*. Tehran: Sorosh Publications. (In Persian)
7. 7 -Awani G. (1996). *Ethics*. Great Islamic Encyclopedia. Tehran: Center of the Great Islamic Encyclopedia. (In Persian)
8. 8 -Ardalan MR. (2019). Relationship between moral philosophy and readiness for change: mediating role of moral responsibility. *Ethics in Science and Technology*; 14(1): 43- 49. (In Persian)
9. 9 -Khani Jazani J. (2007). *Philosophy of medical ethics*. *Iranian Journal of Diabetes and Metabolism*; 7(24): 47-52. (In Persian)
10. 10 -Aghayani Chavoshi A. (2018). An analytical look at the history of Islamic medical ethics; case study of the works of Ibn Al-Jazar, Ahwazi, Ibn Sina and Jorjani. *Journal of Medical Ethics and History*; 11(1): 126-138. (In Persian)
11. 11 -Aksoy S, Elami A. (2002). The core concepts of the four principles of bioethics as found in Islamic tradition. *Journal Med Law*; 21 (2): 211- 224.
12. 12 -Nanji AA. (1988). *Medical ethics and the Islamic tradition*. *Journal Med Philos*; 13 (43): 257- 275 .
13. 13 -Ismaili A. (2017). *Medical ethics in some ancient Iranian texts*. *Ethics in Science and Technology*; 12(3): 19- 24. (In Persian)
14. 14 -Azizi MH. (2007). *Background of medical ethics in some ancient medical and literary works of Iran*. *Journal of Medical Ethics*; 1(1): 63- 80. (In Persian)
15. 15 -Unknown. (1982). *Kalīla va Dimna*. Edited by Abdul Azim Gharib. Tehran: Mobile Publishing. (In Persian)
16. 16 -Nasr H. (1975). *Philosophy and cosmology*. in *History of Iran from Islam to Seljuk*. From the research series of the Department of Iranian History, University of Cambridge. Translated by

فلسفه اخلاق نیز بدان‌ها اشاره شده‌اند. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که در اکثر این منابع بدان‌ها اشاره شده است، خداپاوری و ناظردانستن خداوند بر افعال و اعمال پزشک در زمان درمان و او را شفادهنده اصلی دانستن است. اگر فردی، مهارت و تخصص کافی در زمینه طبابت یافت مسئولیت دارد تا به درمان بیماران مختلف از هر رده و طبقه‌ای بپردازد. پزشک به بیمار به‌عنوان یک انسان که دارای شأن و مرتبه انسانی است توجه کند نه به رنگ، نژاد و دین و وضعیت مالی و طبقه اجتماعی وی. برای این‌که پزشک به کمال برسد ابتدا باید تزکیه و تهذیب‌نفس نماید و عقل و خرد را در همه زمان به کاربندد و از آنجاکه انسان به مثابه جهان اصغر است در شناخت جسمی و روانی وی نیز نهایت تلاش را نماید. بدین‌گونه مفاهیم ارادی بودن عمل انسان، ستایش عقل، تهذیب‌نفس، جهان اکبر و جهان اصغر، مدح و ذم رفتارهای انسانی و توجه به مقام رفیع انسان که در فلسفه اسلامی دارای اهمیت هستند در اخلاق‌پزشکی نیز وارد شده‌اند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش، با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است. علاوه بر آن تقسیم بندی و ارایه مولفه های اصول اخلاق پزشکی و فلسفی و کدهای اخلاقی، برآیند یافته های این پژوهش بوده و نگارندگان آن را برای هیچ مجله دیگری ارسال نکرده اند.

واژه نامه

- | | |
|---|---------------------------|
| 1. Ethics | اخلاق |
| 2. Medical ethics | اخلاق پزشکی |
| 3. Philosophy | فلسفه |
| 4. Medicine | پزشکی |
| 5. The reward of the hereafter | ثواب اخروی |
| 6. Ego | نفس |
| 7. Theoretical sciences | علوم نظری |
| 8. Practical sciences | علوم عملی |
| 9. Clinical observations | مشاهدات بالینی |
| 10. Sharia | شریعت |
| 11. Medical honor | شرافت پزشکی |
| 12. Theoretical wisdom | حکمت نظری |
| 13. Practical wisdom | حکمت عملی |
| 14. Household management | تدبیر منزل |
| 15. Civilized politics | سیاست مَدُن |
| 16. Philosophy of neo-pythagoreans | فلسفه نوفیتاغورثی |
| 17. Self-purification | تهذیب نفس |
| 18. Aristotelian and neoplatonic wisdom | حکمت ارسطویی و نوافلاطونی |
| 19. Psychotherapy | روان درمانی |
| 20. Self-esteem | عزت نفس |

26. 26 -Kennedy AY. (1950). Kennedy's philosophical treatises. Investigation of Mohammad Abdul Hadi Abu Rideh. Cairo: Dar al-Fikr. (In Arabic)
27. 27 -Jafarian R, Nikseresht I, Farhi A. (2017). Knowing the world of Abu Yusuf Yaqub ibn Ishaq Kennedy. Journal of Philosophy of Science; 6(2): 15- 36. (In Persian)
28. 28 -Abu Zayd Balkhi A. (Dateless). Masalih alaibdan va al'anfus. Translated by Molayem F. (2015). Tehran: Traditional Iranian Medicine. (In Persian)
29. 29 -Razi M. (2001). Spiritual medicine (treatise on the psychology of ethics). Translated by Azkaei P. (2004). Tehran: Ahl-e Qalam Publishing. (In Persian)
30. 30 -Emami A. (1999). Ibn Miskawayh. In the Great Islamic Encyclopedia. Tehran: Center of the Great Islamic Encyclopedia. (In Persian)
31. 31 -Ibn Miskawayh A. (Dateless). Tahdhyb al'akhlaq. Translated by Seljuk S. (2015). Tehran: Erfan Publishing Institute. (In Persian)
32. 32 -Kennedy AY. (1996). Alhiluh lidafe al'ahzan. Frankfurt: Publications of the Institute for the History of Arab and Islamic Sciences in the Framework of the University of Frankfurt, Medicine, Islamic Series. (In Arabic)
33. 33- Unknown. (1957). Treatises of the 'iikhwan Al-Safa, Khalan Al-Wafa, va khllan alwufa va 'ahl aleadl va abna'alhmd. Beirut: Dar Sader Publications. (In Arabic)
- Hassan Anousheh. (1984). Tehran: Amirkabir Publications. (In Persian)
17. 17 -Majuci Ahwazi A. (2005). Kamil alsinaeat altabiye. Translated by Khalid Ghaffari M. (2009). Tehran: University of Tehran. (In Persian)
18. 18 -Raban Tabari A. (Dateless). Fardus alhakme fi altib. Corrected by Abdul Karim Sami Al-Jundi. Beirut: Muhammad Ali Baydoun Publications, Scientific Books. (In Arabic)
19. 19 -Tabatabai M. (2009). Summary Al-Hawi. Mashhad: Mashhad University of Medical Sciences. (In Persian)
20. 20 -Rahawi I. (1992). Adab altabib. Achieving Kamal Samrayi and Dawood Salman Ali. Baghdad: Public Cultural Affairs House printing and publishing. (In Arabic)
21. 21 -Tabari A. (1990). Almuealajat albqraty. Frankfurt: Institute for the History of Arab and Islamic Sciences. (In Arabic)
22. 22 -Ibn Sina H. (1616). The canon of medicine. Translated by Sharafkandi AR. (2002). Tehran: Soroush. (In Persian)
23. 23 -Ibn Hindu. (2008). Tabarestani physician and philosopher and his book Moftah al-Tab. Introduction by Mehdi Mohaghegh. Tehran: Institute of Islamic Studies, University of Tehran and McGill University Publications. (In Persian)
24. 24 -Javadi Amoli A. (2005). What is Islamic philosophy? Reflection of Thought Magazine; 4(59,60): 7-12. (In Persian)
25. 25 -Ibn Miskawayh A. (1901). Alfawz alasghir. Beirut: Anonymous. (In Arabic)